

جهان‌نما

گروکشی مسکو و واشنگتن؛ جاسوس آمریکایی در روسیه بازداشت شد



یک تبعه آمریکایی در حال انجام فعالیت جاسوسی در خاک روسیه دستگیر شد. به گزارش سرویس امنیت فدرال روسیه پرونده این فرد تبعه آمریکابه اتهام جاسوسی در حال بررسی است. این فرد روز ۲۸ دسامبر (هفتم آذر ماه) در مسکو دستگیر شده است و پرونده جرائم وی در روسیه بررسی می‌شود. بر اساس اعلام روابط عمومی سرویس امنیت فدرال روسیه نیروهای امنیتی این کشور نام فرد بازداشتی را پاول ولان معرفی و اعلام کرده‌اند وی در حال ارتکاب جرائم جاسوسی دستگیر شده‌است. سال گذشته نیز دولت ایالات متحده آمریکا افراد بسیاری را باتابعیت روسیه به اتهامات مشابه بازداشت کرد و یک مجتمع ساختمانی واقع در آمریکامتعلق به روسیه رانیز با ادعای انجام فعالیت‌های جاسوسی در آن تعطیل کرد. در جولای سال میلادی گذشته (خرداد-تیر) اداره تحقیقات فدرال آمریکا موسوم به اف‌بی‌ای نیز نسبت به بازداشت زنی بانام مار پاپوتینا، به اتهام همکاری با سرویس‌های اطلاعاتی روسیه اقدام و عنوان کرد وی تلاش داشته به دایره نزدیکان دونالد ترامپ وارد شود. هنوز پرونده این زن در دادگاه ایالتی کلمبیا در حال بررسی است. البته مسکو بار د اتهامات علیه این زن عنوان کرده‌است که اعتراضات این خانم به واسطه فشارهایی صورت گرفته که نیروهای اطلاعاتی آمریکا در جریان بازجویی به‌وی وارد کرده‌اند.

■ ■ ■

اروپا بدون پیش شرط به سوریه بازمی‌گردد؛

آغاز بازگشت سفارت خانه‌ها به دمشق



شبکه خبری المیادین در گزارشی به نقل از پیترفوردسفیر پیشین انگلیس در سوریه خبر داد کشور‌های اروپایی روابط خود را بدون پیش شرط بادمشق از سر می‌گیرند.

پیترفورد گفته‌است آمریکاقدرت کافی برای جلوگیری از بازگشت روابط کشور‌های عربی و اروپایی باسوریه را ندارد.

سفیر پیشین انگلیس در سوریه و بحرین با بیان اینکه اکنون زمان آن رسیده‌است که سوریه به اتحادیه عرب بازگردد و آمریکاقدرت جلوگیری از سرگیری روابط بین کشور‌های عربی باسوریه را ندارد عنوان کرد فایده‌ای در خصوصت کشور‌های عربی باسوریه وجود ندارد و اتحادیه عرب این موضوع را رد کرد ده‌است.

پیترفورد در مصاحبه تلفنی که باشبکه المیادین انجام داده، گفت: موضع قطر به‌زودی در مورد سوریه تغییر می‌کند و دوحه می‌داند در کنار زدن دولت دمشق با حمایت‌های مالی و به کارگیری نیروهای مسلح و همچنین تبلیغات رسانه‌ای شکست خورده‌است و قصد دارد حمایت خود را از نیروهای حاضر در ادلب قطع کند. این سفیر سابق انگلیس همچنین در مورد عربستان گفت این کشور نیز تصمیم به تسهیل روابط خود باسوریه گرفته‌است.

فورد در مورد از سرگیری روابط کشور‌های اروپایی باسوریه نیز گفت: این مسئله فقط به زمان بستگی دارد و شاید سفرای انگلیس و فرانسه در سال آتی میلادی به سوریه بازگردند. اما در عین حال بازگشت این روابط بدون هیچ پیش شرطی انجام می‌شود، چرا که شرایط به گونه‌ای نیست که پیش شرطی تعیین شود.

در هفته جاری امارات متحده عربی سفارت خود را در کشور سوریه بازگشایی کرد و وزارت خارجه امارات در بیانیه‌ای عنوان کرد باین اقدام تمایل خود را برای از سرگیری روابط دو طرفه نشان دادیم. بحرین نیز از طریق وزارت خارجه خود اعلام کرده‌است که سفارت این کشور به‌زودی

پایانی بر توهमत تروریستی آمریکا؛

چاره‌ای جز خروج نیست



سیدمحمد میرزا محمدزاده

جنگ در خاک افغانستان امسال به ۴۰ ساله می‌شود. صریح‌ترین و واضح‌ترین سؤالی که هر کسی از خود می‌پرسد این است که ۴۰ سال جنگ چه نتیجه‌ای داشته است؟ چه نتیجه‌ای برای افغانستان منطقه و حتی ارتش‌های حاضر در منطقه از جمله آمریکا جز آن بوده که عقب‌ماندگی و عدم توسعه این کشور همچنان ادامه داشته و حتی شکست طالبان که هدف اصلی این جنگ‌ها بود، بی‌معنا شده‌است و اکنون رهبران طالبان برای عدم تجاوز به شهر‌های بزرگ امتیاز می‌خواهند؟ جز آن بوده که ده‌ها هزار سرباز جان خود را هزاران کیلومتر دورتر از خانه از دست داده‌اند و تبعات آن دامن گیر جوامع کشور‌های مختلف شده‌است؟ حالا برخی سیاست‌یون آمریکایی در بوق خود می‌دمند و داد دیوانگی ترامپ را سر می‌دهند که خروج از این کشور چقدر ضد منافع کشور است. در واقع افغانستان و خروج نیرو‌های آمریکایی از آن، حالا به میدان جنگی برای دعوای سیاسی رهبران آمریکایی بدل شده‌است. کسانی که خوب می‌دانند خروج از افغانستان برای این کشور لازم و ضروری است. سربازان از جنگ‌های پیایی خسته شده‌اند و خانواده‌های آن‌ها دیگر تاب دوری ندارند. از طرفی جامعه افغانستان

دیگر کشش هزینه‌های سرسام‌آور این حضور به اصطلاح مستشاری را ندارد و خواستار اتمام آن است. حالا شاید این تصمیم از زبان یک رئیس‌جمهور دیوانه در خاک ایالات متحده خارج شده باشد، اما مسئله این است که سیاست خارجه آمریکا در نهایت پس از ۱۷ سال راه خود را یافته و به این نتیجه رسیده‌است که حضور در کشور‌های خارجی به بهانه سرکوب تروریسم دیگر توجیه مناسبی نیست. ترامپ خوب می‌داند برای پیروزی در انتخابات آتی باید امتیازاتی به خانواده‌های آمریکایی بدهد، چه بهتر که این امتیازات منافع دولتش را نیز تأمین کند؛ او خوب می‌داند جامعه آمریکا (نه سیاستمداران و روشنفکران) خواهان بازگشت سربازان به خانه هستند و از طرفی این به کاهش هزینه‌های دولت و در نتیجه بهبود اقتصاد و رفاه جامعه می‌انجامد و قصد دارد از این راه امتیازاتی برای خود تأمین کند. حالا این بار امتیازات آمریکایی و منافع شخصی او با جهان هم‌سو شده‌است و واشنگتن اگر همین‌در مطلبی از سیاست ترامپ برای خروج نیرو‌ها از افغانستان دفاع کرده و نوشته‌است همچنان که تصمیم ترامپ برای خارج کردن نیرو‌های زمینی ارتش آمریکا از سوریه شوکی به قانونگذاران از جنگ‌های پیایی خسته شده‌اند و خانواده‌های آن‌ها دیگر تاب دوری ندارند. از طرفی جامعه افغانستان

آمریکایی در افغانستان، در واقع یک ارزش برای تشکیل سیاست خارجه فرا حزبی بود. سر و صداهای بسیاری در واشنگتن برانگیخته‌است و ترامپ بدون شک در فشار مضاعفی از سوی سیاستمداران و تحلیلگران برای تغییر مواضعش قرار دارد. اما او گوش‌هایش را گرفته‌است و نمی‌خواهد صدای اعتراضات بلند را بشنود و تصمیم دارد نقشه خود را اجرا کند. عموم مردم نه تنها از عدم پیشرفت آمریکا در افغانستان خسته شده‌اند، بلکه شرایط بحرانی را پیش روی آمریکا درک می‌کنند. آن‌ها می‌دانند که حفظ امنیت ملی و اجرای سیاست‌های ضد تروریستی واقعی به معنای حفظ لشکر نظامی در خاک افغانستان نیست.

سیاست‌های آمریکا در افغانستان در طول یک و نیم‌دهه گذشته بر اساس این فرضیه غلط بنیان نهاده شده که امنیت آمریکا به شدت با ثبات داخلی افغانستان مرتبط است. این فرضیه آن قدر جذاب بود که واشنگتن را برای سرمایه‌گذاری بیشتر به جای کاهش بودجه در ارتش آمریکا مجاب کند. شعار «ما باید با تروریست در خاک تروریست بجنگیم که جنگ به داخل کشیده نشود.» یک نقطه نظر سیاسی به‌منظور ترساندن افکار عمومی برای آمادگی ورود به این بازی چرخ و فلک مضحک است.

دفاع از امنیت داخلی آمریکا در

تاکنون هیچ حمله تروریستی علیه آمریکا از سوی افغانستان شکل نگرفته‌است و حضور این همه سرباز آمریکایی هیچ توجیهی ندارد، باید بدانیم تأثیر بهبود اطلاعات گردآوری شده از سوی سرویس‌های امنیتی، شناسایی ظرفیت‌ها و همکاری برای اجرای قانون، برای حفظ امنیت داخلی آمریکا موضوعیت بیشتری دارد

مقابل حملات تروریستی نیازمند گذاشتن حجم قابل ملاحظه‌ای از ارتش به‌صورت دائمی در هیچ کشوری نیست؛ اگر این چنین بود، واشنگتن باید در هر نقطه از جهان که تروریست وجود دارد، یک ارتش دائمی می‌داشت؛ از مناطق قبیله‌نشین پاکستان تا بلوک‌های آپارتمانی حاشیه پاریس؛ دیدگاهی مضحک و غیرسازنده که سرمایه‌های آمریکا را به خطر می‌اندازد و ارتش آمریکا را در سایر کشور‌ها پراکنده می‌کند و قدرت آن‌ها را در تأمین امنیت داخلی کشور زیر سؤال می‌برد و حتی به مسائل کنونی عدم آمادگی ارتش آمریکا دامن می‌زند.

افکار عمومی آمریکا این حق را دارد از رهبران سیاسی و نظامی خود بخواهد توضیح دهند ادامه شرایط بی‌تغییر در افغانستان چگونه می‌تواند به نتیجه بهتری ختم شود

چگونه می‌تواند به نتیجه بهتری ختم شود. ترامپ نیز در جایگاه خود این حق را دارد که از افراد درون و بیرون دولت بپرسد تا چه زمانی ارتش و منابع قرار است در این نقطه استفاده شود.

واشنگتن شاید در کاهش بالقوه نیرو‌ها در افغانستان دست داشته باشد، اما رئیس‌جمهور باید بداند که اکثر جامعه عمومی از جمله ۷۰ درصد از سربازان باز نرفته، موافق بازگشت زنان و مردان جوان به خانه هستند. ترامپ باید یک نکته دیگر نیز در ذهن داشته باشد: کسانی که در گوش وی برای ادامه حضور نظامی در افغانستان زمزمه می‌کنند، همان افرادی هستند که باور داشتند افغانستان می‌تواند به یک نسخه آسیای مرکزی از آلمان بدل شود، جایی که دموکراسی در آن شکوفا و تروریسم نابود می‌شود و سیاستمداران افغان منافع رأی‌دهندگان خود را بر منافع شخصی و کاری ترجیح می‌دهند.

سال آینده جنگ افغانستان ۴۰ ساله می‌شود. هر چند که منفی‌گرایانه و بدبینانه به نظر می‌رسد، اما این کشور می‌تواند ۴۰ سال دیگر هم در نزاعات مسلحانه مشابه گرفتار باشد؛ این مسئله ارتش آمریکا نیست که برای صلح دخالت کند و نه حتی واشنگتن قدرت معجزه دارد. تنها بازیگران قدرتمند افغانستان و همسایگان آن هستند که می‌توانند چنین تدبیری به کار گیرند.

در یک دنیای ایده‌آل، واشنگتن باید سال ۲۰۰۲ از افغانستان خارج می‌شد، زمانی که سازمان القاعده متعلق به اوسامه بن لادن از هم پاشید و جنگجویان طالبان با ناامیدی دست‌های خود را به نشانه تسلیم بالا بردند، یا در نهایت می‌توانست در سال ۲۰۱۱ زمانی که نیروی ویژه ایالات متحده بن لادن را یک‌بار برای همیشه از صحنه روزگار محو کرد نسبت به خروج اقدام کند.

بعد از ۱۷ سال حلا فرست برای خروج نیرو‌ها پیش آمده‌است و انجام این اقدام بهتر از ماندن ابدی در افغانستان است.



برخی از طرفین در گیر جنگ عمل می‌کنند، آن‌ها خواستار تداوم جنگ هستند ولی ما برای برقراری صلح همه‌جانبه و عادلانه به این توافق پایبند می‌مانیم. او همچنین اشاره کرد: کسانی که برای شکست توافق آتش‌بس در الحدیده در تلاش هستند، از تجاوز به یمن بهره‌مند شده‌اند و از این راه منافع مالی دریافت می‌کنند، اما ما به این آتش‌بس پایبند می‌مانیم تا مشخص شود چه کسانی به پایان یافتن رنج ملت یمن اهمیت می‌دهند.

قرار بود طرفین از فعالیت نظامی در این استان خودداری کنند. وی در تشریح این نقض توافق‌ها گفت: تانیمه شب یک‌شنبه ۲۹ عملیات به‌منظور پیشروی، ۷۴ عملیات به‌منظور تقویت نیرو‌ها، سه عملیات برای نفوذ، یک حمله نظامی و ۷۵ مورد پرواز در آسمان استان الحدیده ثبت شده‌است.

به گفته وی عملیات متداوم ائتلاف در منطقه آتش‌بس مسئله قابل چشم‌پوشی نیست و نشان می‌دهد که نیرو‌های ائتلاف به چنین توافقی پایبند نیستند. آن‌طور که